

گزارش

از پژوهشگاه تا مدار؛ ماهواره‌ای که برای تثبیت ایران در مدار سیاست فضایی پرتاب شد

ناهید ۲؛ پیوند دانش بومی و دیپلماسی فضایی

شرق: جمعه سوم مرداد ۱۴۰۴، پس از ۹ سال برنامه‌ریزی، توسعه، آزمون و تأخیر، سرانجام ایران ماهواره تحقیقاتی و مخابراتی «ناهید ۲» را با استفاده از پرتابگر معتبر روسی «سایوز» به مدار پایین زمین (LEO) فرستاد. این پرتاب موفق که در چارچوب همکاری‌های فضایی بین‌المللی با مشارکت روسیه انجام شد، نه‌تنها گامی فنی در جهت توسعه زیرساخت‌های فضایی کشور است، بلکه از منظر دیپلماتیک نیز نشانه‌ای روشن از تثبیت جایگاه جمهوری اسلامی ایران در باشگاه کشورهای دارای فناوری فضایی به شمار می‌رود.

نهایی که ۹ ساله شد

قرارداد ساخت ناهید ۲ در سال ۱۳۹۵ میان سازمان فضایی ایران و پژوهشگاه فضایی ایران به امضا رسید. در آن زمان، ناهید ۲ به عنوان یک پروژه مکمل و پیشرفته نسبت به ناهید ۱ تعریف شد. ماهواره‌ای با قابلیت‌های مخابراتی در باند Kku و توانایی انجام مانورهای مداری که هدفش توسعه فناوری‌های لازم برای منظومه‌های مخابراتی در مدارهای پایین و نیز ماهواره‌های زمین‌آهنگ (GEO) بود. در سال ۱۳۹۸، با وجود اینکه پرتاب ناهید ۱ با ماهوارهٔبرد مسفیر B1 به دلیل حادثهٔ فنی لغو شد، توسعه ناهید ۲ با جدیت ادامه یافت. برای پشتیبانی از ناهید ۱، چهار ایستگاه زمینی در نقاط مختلف کشور ساخته شده بود. اما شکست پرتاب، تمرکز برنامه فضایی ایران را به سمت پروژه‌های بعدی سوق داد. در بهمن ۱۴۰۲، نمونه پروازی ناهید ۲ با حضور رئیس‌جمهور در روز ملی فناوری فضایی رونمایی شد. به گزارش تسنیم، دکتر مهدی نصیری، رئیس پژوهشکده سامانه‌های ماهواره پژوهشگاه فضایی، در آن مراسم اعلام کرد که ناهید ۲ دارای طول عمر دو سال، وزن ۱۲۰ کیلوگرم و مدار ۵۰۰کیلومتری با شیب مداری ۵۵ درجه است. این ماهواره از باتدهای با ظرفیت ۸KU و ۸UHF بهره می‌برد و قرار بود به‌زودی پرتاب شود. در دی ۱۴۰۳، دکتر حسن سالاریه، رئیس سازمان فضایی ایران، در نشست با محوریت نقش پژوهشگران جوان، خبر از آمادگی ناهید ۲ برای پرتاب داد. همچنین از برنامه ساخت ناهید ۳ با قابلیت منظومه‌سازی نیز سخن گفت. در نهایت، در بهار ۱۴۰۴ و طی ماه‌های فروردین تا خرداد، تأکید شد که پرتاب ناهید ۲ در برنامه قطعی پرتاب‌های نیمه اول سال قرار دارد.

اعلام شفاف زمان و مکان پرتاب؛ تغییر در استراتژی رسانه‌ای

یکی از نقاط عطف این پرتاب، اعلام رسمی و دقیق زمان و مکان آن پیش از انجام مأموریت بود؛ اقدامی که برخلاف رویه معمول در پروژه‌های فضایی ایران به شمار می‌رفت. این شفافیت، پیامی آشکار از اعتمادبه‌نفس فنی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف راهبردی‌اش در حوزه فضا داشت. در سال‌های گذشته، زمان پرتاب ماهواره‌ها عموماً با ابهام و گاه حتی پس از انجام مأموریت اعلام می‌شد؛ رویکردی که به دلایل امنیتی و محدودیت‌های فنی اتخاذ می‌شد. اما در پرتاب ناهید ۲، اعلام دقیق از روز قبل، علاوه بر نمایش بلوغ فنی، نشانه‌ای از تغییر نگاه در اطلاع‌رسانی رسمی و تمایل به نمایش توانمندی‌ها در چارچوب همکاری‌های بین‌المللی بود. پرتاب ناهید ۲ با استفاده از پرتابگر سایوز روسیه، علاوه بر انتخابی فنی قابل اتکا، از منظر سیاسی نیز اهمیت مضاعف دارد. این پرتاب در قالب یک مأموریت چندملیتی انجام شد که در آن، دو ماهواره اصلی روسی و ۱۸ ماهواره دیگر از کشورهای مختلف نیز همراه با ناهید ۲ به فضا رفتند. نکته شایان توجه، نقش پررنگ ایران در این پرتاب بود؛ آرم سازمان فضایی ایران و پژوهشگاه فضایی ایران بر بدنه پرتابگر حک شده بود. این نمادهای رسمی، نشان‌دهنده مشارکت فعال و پذیرفته‌شده جمهوری اسلامی ایران در پروژه‌های چندملیتی فضایی است؛ مشارکتی که نه‌تنها فنی بلکه به نوعی سرمایه‌گذاری سیاسی در همکاری‌های آینده نیز محسوب می‌شود.

ناهید ۲؛ ویژگی‌ها و تمایزها

ماهواره ناهید ۲ نسبت به نمونه قبلی خود، ناهید ۱، دارای پنج تمایز فنی و عملیاتی مهم است:
۱. جنبه مخابراتی پیشرفته‌تر: ناهید ۲ علاوه بر مأموریت تحقیقاتی، مشخصاً برای اهداف مخابراتی طراحی شده است. برخلاف ناهید ۱ که بیشتر جنبه آزمایشی داشت.
۲. استفاده از فناوری‌های بومی پیچیده‌تر: ناهید ۲ به‌منظور آزمون فناوری‌های پیشرفته‌تر بومی در حوزه فضایی ساخته شده است.
۳. قرارگیری در مدار LEO با کارایی بهتر: مدار پایین زمین، با تأخیر کمتر و کیفیت بالاتر ارتباطات، امکان کاربردهای گسترده‌تری نسبت به مأموریت‌های پیشین دارد.
۴. پرتاب موفق با پرتابگر معتبر بین‌المللی: برخلاف پرتاب ناکام ناهید ۱، ناهید ۲ با پرتابگری مطمئن و در قالب همکاری چندملیتی، با موفقیت به فضا رفت.
۵. گامی راهبردی برای تثبیت ایران در فناوری مخابرات فضایی: ناهید ۲ نه‌فقط یک دستاورد فنی، بلکه بخشی از برنامه راهبردی ایران برای گسترش شبکه ماهواره‌های مخابراتی در مدارهای بالا و پایین است.

سامانه پیش‌رانش بومی وفناوری‌های پشتیبان

یکی از دستاوردهای فنی ویژه در ناهید ۲، بهره‌گیری از سامانه پیش‌رانش گاز گرم است که به‌طور کامل در داخل کشور توسعه یافته است. این سامانه، شامل تراستر، شیرهای فشار بالا و مخزن‌های کامپوزیتی، توانایی اصلاح ارتفاع مداری تا ۵۰ کیلومتر را دارد و برای ماندگاری ماهواره در مدار طی دو تا پنج سال طراحی شده است. علاوه بر آن، استفاده از پوشش‌های پلیمری و چسب‌های فضایی برای عایق‌کاری حرارتی، یکی دیگر از مؤلفه‌های فناوری بومی در ناهید ۲ است. این مواد، با توجه به پیچیدگی و سطح فناوری بالا، به‌ندرت در بازار جهانی در دسترس هستند و تولید آنها گامی مهم در زنجیره خودکفایی فضایی محسوب می‌شود. در بخش انرژی نیز باتری‌های لیتیم- یون داخلی که در فرم‌های متنوع بسته‌بندی شده‌اند، توان شارژ و دشارژ طولانی‌مدت را با حفظ ظرفیت فراهم می‌کنند؛ توانمندی‌ای که برای یک مأموریت پنج‌ساله در مدار حیاتی است.

پیامدهای چندلایه پرتاب ناهید ۲

پرتاب موفق ناهید ۲، هم‌زمان سه لایه پیامد مهم دارد:

۱. فنی و فناوری: این مأموریت، بلوغ صنعت فضایی ایران را در طراحی، ساخت و اجرای عملیاتی یک ماهواره مخابراتی پیچیده به نمایش گذاشت.
۲. سیاسی و دیپلماتیک: همکاری نزدیک با روسیه در پروژه‌های چندملیتی، از منظر دیپلماسی فضایی، موفقیتی مهم و پاسخی عملی به محدودیت‌های تحریم است.
۳. کاربردی و اقتصادی: ناهید ۲ می‌تواند بستر ارتباطی برای اینترنت اشیا، پایش داده‌ها و توسعه زیرساخت‌های مخابراتی کشور باشد.

نشانه‌ای از تغییر رویکرد اطلاع‌رسانی

پرتاب ناهید ۲، اگرچه یک رویداد صرفاً فناورانه به نظر می‌رسد، اما با نگاهی دقیق‌تر، لایه‌های متعددی از تحولات راهبردی در آن نهفته است. این ماهواره، نه‌تنها نماد خودکفایی ایران در توسعه فناوری فضایی است، بلکه نشانه‌ای از تغییر رویکرد اطلاع‌رسانی، تثبیت جایگاه در دیپلماسی فضایی و توسعه زیرساخت‌های حیاتی کشور در دهه آینده محسوب می‌شود. اگر مسیر ناهید ۲ را ادام‌های بدایتیم بر حرکت به سوی منظومه‌سازی و ماهواره‌های GEO، می‌توان این پرتاب را نقطه آغازی تازه برای ورود ایران به مرحله‌ای پیشرفته‌تر از فناوری فضایی ارزیابی کرد. مرحله‌ای که در آن، ناهید ۳ و منظومه‌های آینده دیگر وعده‌ای دور‌دست نخواهند بود، بلکه بخش ضروری از آینده مخابرات، امنیت، فناوری و اقتصاد دیجیتال کشور خواهند شد.

در شرایطی که دیپلماسی هسته‌ای ایران برای هفته‌ها در سکوت و اضطراب فرو رفته بود، گفت‌وگوهای جمهوری اسلامی ایران و تروینکای اروپایی (آلمان، فرانسه و بریتانیا) در استانبول، بار دیگر روزنه‌ای، ولو شکندنه، به سمت احیای مسیر مذاکره گشود. اما این گفت‌وگوها نه در فضای عادی دیپلماتیک بلکه در پس‌زمینه‌ای از خصومت، حمله و تهدید برگزار شد؛ از بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران توسط آمریکا و اسرائیل تا تهدید علنی سه کشور اروپایی به فعال‌سازی سازوکار ماشه. صحنه، یک بار دیگر ترکیبی غریب از دیپلماسی و قدرت بود؛ از یک سو مکانیسم‌های حقوقی و از سوی دیگر موشک و سایه تحریم بر نشست استانبول سایه افکنده بودند. این سومین دور از گفت‌وگوهای ایران و اروپا و البته اولین دور بعد از جنگ تحمیلی اخیر بود؛ ابتدا دور نخست، در سطح معاونان و در فضای پرتنش استانبول، به‌سرعت پایان یافت. دور دوم در ژنو، در میانه جنگ، میان وزرای خارجه برگزار شد که گرچه بدون چالش نبود، اما به‌عنوان حرکتی رو به جلو ارزیابی شد. اما پس از حمله مستقیم آمریکا به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران، این مسیر تعلیق شد تا در نهایت دیروز، کنسولگری ایران در استانبول بار دیگر میزبان رایزنی‌های حضوری باشد.

رایزنی‌ها ادامه خواهد یافت

غرب‌آبادی، معاون وزیر امور خارجه ایران، در پایان این مذاکرات گفت: «گفت‌وگویی جدی، صریح و مفصل با مدیران سیاسی سه کشور اروپایی و اتحادیه اروپا داشتیم». او با تأکید بر مباحث مربوط به لغو تحریم‌ها و مکانیسم اسنپک تصریح کرد: «مواضع اصولی خود را به‌صراحت بیان کردیم و رایزنی‌ها ادامه خواهد یافت».

آزمونی برای عقلانیت اروپایی

در کنار اظهارات غرب‌آبادی، سخنگوی وزارت امور خارجه نشست را «آزمونی برای واقع‌بینی اروپا» دانست. بقایای گفت: «سه کشور اروپایی باید از فرصت فراهم‌شده برای اصلاح نگاه خود به برنامه هسته‌ای ایران بهره ببرند». وی افزود: مواضع جانبدارانه اروپا در قبال حملات آمریکا و اسرائیل به ایران، این کشورها را عملاً به حاشیه‌نشینی‌شان غیرقابل اعتماد در فرایند دیپلماسی بدل کرده است.

تهدید ماشه: خیلی دور خیلی نزدیک

پیش از آغاز مذاکرات، فاینانشال‌تایمز از احتمال تمدید چندماهه مهلت مکانیسم ماشه خبر داده بود. مشروط به تصویب قطع‌نامه‌ای جدید در شورای امنیت. اما ساعاتی بعد، رونیترز مدعی شد ایران با این پیشنهاد مخالفت کرده است. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل این مخالفت را در صورت صحت ادعا باید در نامشروع‌دانستن استفاده از مکانیسم ماشه توسط اروپایی‌ها دانست؛ زیرا ایران معتقد است به لحاظ حقوقی، اروپا حقی برای چنین اقدامی ندارد و چند روز پیش وزیر امور خارجه در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل، اقدام سه کشور اروپایی در احیای قطع‌نامه‌های لغوشده و سوءاستفاده از مکانیسم ماشه را باطل دانست. عباس عراقچی در نامه‌ای خطاب به آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد، رئیس شورای امنیت، کابا کالاس نماینده عالی اتحادیه اروپا و اعضای شورای امنیت سازمان ملل، دلایل خود را تشریح کرد که چرا سه کشور اروپایی از هیچ‌گونه مشروعیت حقوقی، سیاسی و اخلاقی برای فعال‌سازی سازوکارهای برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت (مصوب ۲۰۱۵) برخوردار نیستند. سه کشور اروپایی (E3) با اقدامات و اظهارات خود -از جمله حمایت سیاسی و مادی از تجاوز نظامی غیرقانونی و غیرموجه اخیر رژیم اسرائیل و ایالات متحده، نقض اصول بنیادین برجام و همچنین قصور مستمر و طولانی‌مدت در عمل به تعهداتشان- عملاً جایگاه خود را به‌عنوان «شرکت‌کننده» در برجام از دست داده‌اند. از این‌رو هرگونه تلاش آنان برای احیای قطع‌نامه‌های لغوشده شورای امنیت، بی‌اعتبار و از نظر حقوقی باطل است. هرچند در این بین فرانسه، بریتانیا و آلمان تهدید کرده‌اند در صورت عدم پیشرفت، تحریم‌های شورای امنیت را تا پایان آگوست بازمی‌گردانند. تهران هم در واکنش هشدار داده که این اقدام می‌تواند واکنش‌های تندی از جمله خروج از معاهده NPT را به دنبال داشته باشد.

بازگشت کارشناسان فنی آژانس به ایران

در میانه مذاکرات دیپلماتیک، مسائل فنی نیز در جریان است. ایران اعلام کرده با سفر یک هیئت فنی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موافقت کرده، اما بازدید از سایت‌های هسته‌ای آسیب‌دیده

بازگشت به میز گفت‌وگوهای هسته‌ای در سایه تهدید «ماشه» در استانبول

ایران و اروپا؛ بازی آخر



در دستور کار نیست. به گفته غرب‌آبادی، هدف این سفر، تنظیم شیوه‌نامه‌ای جدید برای همکاری است. در سوی دیگر، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس که در سنگاپور به سر می‌برد، اعلام کرد «ایران باید شفافیت بیشتری درباره تأسیسات اتمی خود نشان دهد». وی ابراز امیدواری کرد که تا پیش از پایان سال میلادی، بازرسان آژانس به ایران بازگردند. هرچند تهران در سایه حملات اخیر، همکاری خود با آژانس را به تصمیم شورای عالی امنیت ملی مشروط کرده است.

دیپلماسی با بازآرندگی؟

درحالی‌که اتحادیه اروپا در شکل‌گیری برجام نقش تاریخی ایفا کرده، اکنون خود در معرض آزمونی دوباره قرار دارد؛ زیرا به نوشته پولیتیکو «اروپا با باید به نقش ماینجگیری صادقانه در منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بازگردد یا به دنباله‌رو ماجراجویی‌های نظامی اسرائیل و آمریکا بدل شود». تجربه حمله اسرائیل به راکتور اوسیراک عراق که نه‌تنها مانع اشاعه نشد بلکه باعث مخفی‌کاری بیشتر شد، اکنون چون آینه‌ای پیش‌روی اروپا قرار گرفته است.

الی گرانمایه، پژوهشگر ارشد شورای روابط خارجی اروپا نیز هشدار داده است اسنپک نمی‌تواند ایران را به پذیرش غنی‌سازی



صفر وادار کند. او گفته است: «تجربه نشان داده که ایران تنها در فضای دیپلماسی آبرومند حاضر به امتیازدهی خواهد بود».

مذاکره با آمریکا؛ شروطی برای بازگشت

البته در شرایط فعلی برخی از کارشناسان سیاست خارجی معتقدند مذاکره با اروپا بدون توافق با آمریکا حاصلی در بر نخواهد داشت؛ زیرا نه اروپا استقلال عمل کافی دارد و نه آمریکا به توافق طرفین اروپایی پایبندی احساس خواهد کرد. بنابراین ایران هم‌زمان باید مذاکرات غیرمستقیم خود با آمریکا را نیز با پیگیری شروط احیا کند.

شروط ایران واضح است:
۱. عدم حمله در جریان مذاکرات
۲. دست‌یابی به توافقی که برای هر دو طرف برد-برد باشد که شامل رفع تحریم‌ها، پرداخت غرامت جنگ ۱۲روزه و حفظ حق غنی‌سازی هم بشود و در مقابل ایران در زمینه سطح غنی‌سازی اطمینان لازم مبنی بر حرکت‌نکردن به سمت بمب هسته‌ای را ایجاد کند. در همین راستا، عباس عراقچی چندی پیش در پاسخ به این پرسش فاکس‌نیوز که «آیا ایران آماده مذاکره مستقیم با دولت آمریکا‌کاست تا بتوان به راه‌حلی برای کاهش تنش‌ها دست یافت؟»، اظهار کرد: «ما برای گفت‌وگو آماده هستیم اما در حال حاضر برای مذاکره مستقیم، خیر. اگر آنها برای دستیابی به یک راه‌حل برد-برد جلو بیایند، من آماده تعامل با آنها هستم، به این معنی که ما آماده‌ایم تا هر اقدامی برای اعتمادسازی به منظور اثبات ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای کشورمان و اینکه فعالیت‌های هسته‌ای ما صلح‌آمیز باقی خواهند ماند و ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نخواهد رفت، انجام دهیم». عراقچی ادامه داد: «در ازای آن، ما از آنها انتظار داریم تحریم‌ها را بردارند. این یک بازی برد-برد خواهد بود و ما آماده تعامل برای آن هستیم. باین‌حال، ما نمی‌توانیم چنین مذاکراتی را به‌صورت مستقیم آغاز کنیم و همچنان ترجیح می‌دهیم به‌صورت غیرمستقیم مذاکره کنیم».

بخشایش اردستانی:

در سیاست‌ها تجدیدنظر شود

و همه را دشمن تلقی نکنیم؛ چراکه در وقت‌های سخت هم آنهایی که دادیم ایزوتوپ‌سین باشند، همراه ما بودند. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تأکید کرد: پس از دوران جنگ، مقامات حکومتی باید فضا را بیشتر باز کنند و تحمل خود را بالاتر ببرند، با تساهل و تسامح برخورد کنند و فقط کشور را برای یک گروه خاص ندانیم، بلکه کشور متعلق به همه گروه‌هاست و قانون را ملاک قرار دهیم؛ قانونی که به نحوی طرف وسیع‌تر را می‌گیرد، نه قانونی که طرف اقشار پایین را توجه کند.

بخشایش اردستانی بی بیان اینکه تحولات منطقه‌ای پس از جنگ تحمیلی ۱۲روزه، فرصت‌های جدیدی را برای جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی فراهم آورده است، گفت: ایران با تکیه بر قدرت و توانمندی‌های خود، به‌ویژه در حوزه نظامی، می‌تواند نقش فعال‌تری در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کند. جنگ ۱۲روزه اخیر نشان داد که اسرائیل، با وجود حمایت‌های گسترده آمریکا و غرب، آسیب‌پذیرتر از آن چیزی است که تصور می‌شد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این دوره، رونمایی از موشک‌های هاپرسونیک ایرانی بود. این فناوری پیشرفته، قدرت بازدارندگی ایران را به سطح جدیدی ارتقا داد و معادلات نظامی در منطقه را تغییر داده است. اکنون ایران می‌تواند با تکیه بر این قدرت بازدارندگی، در مذاکرات و تعاملات دیپلماتیک، مواضع قوی‌تری اتخاذ کرده و از منافع خود به نحو مؤثرتری دفاع کند.

در همین ایام، نشست سه‌جانبه ایران، روسیه و چین در تهران درباره مکانیسم ماشه و پرونده هسته‌ای ایران نشانه‌ای از تلاش ایران برای گسترش بازیگری چندجانبه در برابر محور غربی است. ایران نگاهی دقیق و حساب‌شده به ظرفیت دوستان خود دارد و سعی می‌کند در شرایط فعلی روسیه و چین را کنار خود حفظ کند تا مذاکرات استانبول منجر به توافقی برد-برد شود. هرچند واقعیت این است که گفت‌وگوهای استانبول نه صرفاً درباره برجام بلکه درباره اعتبار نظم بین‌المللی و بقای دیپلماسی در جهانی است که گویی دوباره به منطق قدرت بازگشته است. ایران و اروپا اگرچه هرکدام با ملاحظاتنی متفاوت بر سر میز آمده‌اند، اما تا پایان ماه آگوست، فرصت بسیار کوتاهی برای جلوگیری از فروپاشی نهایی یکی از مهم‌ترین توافقات کنترل تسلیحاتی قرن بیست‌ویکم باقی مانده است.

در این بین، نباید فراموش کرد که بازگشت گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و اروپا، در شرایطی که سایه تهدید و تخاصم بر فضای دیپلماتیک سنگینی می‌کند، مسیری پیچیده و چندوجهی را پیش‌روی طرفین قرار داده است؛ مسیری که می‌تواند از یک توافق شکننده عبور کند یا به بن‌بست و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی بینجامد. گفت‌وگوهای دیروز استانبول هرچند روزنه‌ای محدود به مسیر دیپلماسی گشود، اما واقعیت آن است که تا پایان ماه آگوست، زمان بسیار اندک و مخاطرات پیش‌رو بسیار سنگین است. در ادامه، سه سناریوی اصلی قابل پیش‌بینی در این مسیر قابل بررسی است.

۱. **توافق مشروط با محدود:** در این حالت، طرفین با درک شرایط بحرانی و اجتناب از تشدید تنش، به توافقی محدود دست می‌یابند. اروپا در ازای خودداری از فعال‌سازی سازوکار ماشه، مشوق‌هایی جزئی مانند تعلیق برخی تحریم‌ها یا تسهیل مبادلات مالی را پیشنهاد می‌دهد. در مقابل، ایران نیز باید سطح غنی‌سازی خود را کنترل کند یا شفافیت محدودی را در همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بپذیرد و مسئله اورانیوم غنی‌سازی‌شده ۶۰درصدی را هم شفاف کند که زیر خاک دفن شده یا کاملاً نابود شده یا... این سناریو پیامدهایی همچون «کاهش موقت تنش‌های سیاسی و اقتصادی، ثداوم چارچوب دیپلماسی و بازماندن مسیر گفت‌وگو، امکان مدیریت اختلافات در سطح فنی اما بدون ضمانت اجرایی بلندمدت و با تداوم بی‌اعتمادی متقابل، را در پی دارد.

۲. **بازگشت به برجام با توافق جامع:** سناریوی دوم، احیای بخشی از برجام با توافقی جدید به مشارکت مستقیم ایالات متحده است. این مسیر، مستلزم

تعدیل مواضع سخت‌گیرانه، توقف اقدامات تنش‌زا و بازگشت به چارچوب برد-برد در مذاکرات است؛ چنان‌که معاون وزیر امور خارجه ایران نیز بر آن تأکید کرده است.

این سناریو هم نتایجی با خود دارد مانند «احیای کامل دیپلماسی هسته‌ای و پایان دادن به تهدیدهای متقابل، کاهش چشمگیر فشارهای اقتصادی و فراهم‌شدن زمینه سرمایه‌گذاری خارجی و همکاری منطقه‌ای اما نیازمند اراده سیاسی قوی در تهران، واشنگتن و پایتخت‌های اروپایی».

۳. **عدم توافق و فعال‌سازی مکانیسم ماشه:** در صورت عدم حصول پیشرفت در مذاکرات، فعال‌سازی سازوکار ماشه و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت، محتمل‌ترین و در عین حال پرمخاطره‌ترین سناریو خواهد بود. در این وضعیت، واکنش متقابل تهران «ازجمله خروج احتمالی از معاهده NPT یا توقف کامل همکاری با آژانس» می‌تواند فضای منطقه را رادیکال کند. پیامدهای این سناریو بدبینانه «انزوای ایران در نظام بین‌الملل، گسترش درگیری‌های منطقه‌ای و حتی تقابل مستقیم جدید، فروپاشی کامل ساختار برجام و بی‌اعتبارشدن نهادهای بین‌المللی و تشدید صف‌بندی جهانی میان ایران، چین و روسیه در برابر بلوک غرب» می‌تواند باشد.

بنابراین مذاکرات استانبول نه‌تنها درباره آینده برنامه هسته‌ای ایران، بلکه درباره سرنوشت دیپلماسی در نظامی جهانی است که بار دیگر به منطق قدرت بازمی‌گردد. اروپا اکنون با انتخابی سرنوشت‌ساز روبه‌رو است؛ بازگشت به نقش یک میانجی مستقل در راستای حفظ برجام یا پیروی از رویکرد تقابلی واشنگتن و تل‌آویو. ایران نیز در کنار حفظ ابزارهای بازدارنده، هم‌زمان کوشیده است مسیر گفت‌وگو را نبیند؛ چه از طریق مذاکرات فنی با آژانس و چه در قالب ابتکارات منطقه‌ای و چندجانبه. باین‌هه، تا پایان تابستان موازنه میان عقلانیت و فشار تعیین خواهد کرد که آینده این مناقشه به سمت تثبیت صلح می‌رود یا تشدید تقابل.

خبر

پزشکیان: طرح انتقال آب از سد طالقان در حال اجراست

رئیس‌جمهور گفت: طرح انتقال آب از سد طالقان برای حل بحران آب تهران در حال انجام است. به گزارش ایسنا، مسعود پزشکیان در بازدید از سد طالقان، با اشاره به کاهش آب این سد و ایجاد مشکل برای آب‌رسانی اظهار کرد: تلاش می‌شود سابقه‌ای برای حل بحران آب در تهران و منطقه با انتقال آب سد طالقان در حال انجام است. با تلاش‌های انجام‌شده می‌توان وضعیت موجود را به حالت ثبات رساند. او ادامه داد: تا تکمیل این طرح از مردم تقاضا داریم در مصرف آب صرفه‌جویی کنند.

پیام بقایای درباره مخالفت آمریکا و اسرائیل با قطع‌نامه «حق دسترسی به غذا»

سخنگوی وزارت امور خارجه درباره مخالفت آمریکا و رژیم صهیونیستی با تصویب قطع‌نامه «حق دسترسی به غذا» در سال ۲۰۲۱ به‌عنوان نشانه‌ای از زمینه‌سازی برای به گرسنگی کشاندن مردم غزه، پیامی در شبکه ایکس منتشر کرد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در پیامی در شبکه ایکس نوشت: «آیا به گرسنگی کشاندن مردم غزه از قبل زمینه‌سازی نشده بود؟ در ۱۶ دسامبر ۲۰۲۱ تنها آمریکا و اسرائیل بودند که با قطع‌نامه پیشنهادی سازمان ملل -قطع‌نامه ۱۶۶/۷۴- برای شناسایی «حق دسترسی به غذا» به‌عنوان یک «حق بشری» مخالفت کردند. جهان در این زمینه یک‌صدا و متحد بود و قطع‌نامه شناسایی حق دسترسی به غذا به‌عنوان یک حق بشری توسط کل اعضای سازمان ملل تأیید شد، اما این دو اشکارا با آن مخالفت کردند. نکته قابل تامل: در این قطع‌نامه ممنوعیت به گرسنگی کشاندن مردم به‌عنوان یک روش جنگی، وفق حقوق بشردوستانه بین‌المللی، مورد تأکید مؤکد قرار گرفته است. آیا مخالفت آنها با این قطع‌نامه نشانه سیاست از قبل طراحی‌شده آنها برای استفاده از غذا به‌عنوان یک سلاح جنگی نیست؟!».

نماینده ادوار مجلس:

از بین رفتن انسجام ملی خواسته دشمن است

نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی گفت: همه اقلشار، گروه‌ها و فعالان سیاسی باید به حفظ انسجام ملی وفادار بوده و در بیان و عمل پایبند به وحدت ملی باشند؛ زیرا از بین رفتن انسجام ملی خواسته دشمن است.

محمدعلی پورمختار در گفت‌وگو با ایسنا درباره اهمیت حفظ انسجام ملی اظهار کرد: انسجام ملی بین مردم و گروه‌های سیاسی و احزاب رمز پیروزی انقلاب اسلامی و بقای نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است که اوج این انسجام را در دفاع مقدس ۱۲روزه در مقابل رژیم صهیونیستی و آمریکا مشاهده کردیم. امروز نیز با وجود تهدیداتی که از سوی دشمن می‌شویم، حفظ انسجام ملی اهمیت زیادی دارد. او ادامه داد: همه اقلشار، گروه‌ها و فعالان سیاسی باید به حفظ انسجام ملی وفادار بوده و در بیان و عمل پایبند به وحدت ملی باشند. ممکن است عملکرد دستگاه‌های مختلف مورد نقد باشد، اما این نقد باید عادلانه، با زبان خشن و همچنین پیشنهاد عملیاتی باشد. در این شرایط که دشمن در حال تهدید کشور است، نباید عملکرد قوا زیر سؤال برود و دلخوری ایجاد شده و این‌گونه زمینه برای از بین رفتن انسجام فراهم شود؛ زیرا از بین رفتن انسجام خواسته و به نفع دشمن است. نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی ادامه داد: احزاب و گروه‌های سیاسی مراقب باشند اختلاف‌های سیاسی موجب تضعیف نظام نشود. در شرایط فعلی مسائل مورد اختلاف باید کنار گذاشته شده و بر مسائل اصلی کشور تأکید شود. همچنین باید از اظهارنظرهایی که منبع موثق ندارد، پرهیز شود. فعالان سیاسی از اظهارنظرهایی که منبع موثق ندارد، مخصوصاً در فضای مجازی خودداری کنند؛ زیرا شاید این اظهارات بدون منبع ساخته شوند باشد. فعالان و جریان‌های سیاسی هر حرفی را که می‌شنوند، بیان نکنند، حتی اگر آن مسائل واقعیتی دارد ولی برخلاف منافع ملی و انسجام ملی است، از پرداختن به آن پرهیز کنند.